

تحلیل سیاسی هفته (۴۸)

ملاحظات در مورد سفر رئیس‌جمهور افغانستان به ایران در پرتو تحولات جدید

مقدمه

حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان درحالی برای دومین بار در دوره ریاست‌جمهوری دکتر حسن روحانی به تهران سفر کرده است که از یکسو بر سر دوراهی سرنوشت‌ساز پذیرش یا عدم پذیرش توافقنامه امنیتی با ایالات متحده قرار دارد و به خوبی می‌داند که هرگونه تصمیم در مورد این توافقنامه تأثیر بسزایی در شکل‌گیری روابط منطقه‌ای و بین‌المللی افغانستان در آینده خواهد نهاد و ازسوی دیگر کشورش پس از قریب به ۱۵ سال برتابیدن اشغال نظامی همچنان با معضلات وسیعی از قبیل بی‌ثباتی، تروریسم، افراط‌گرایی، بی‌انسجامی داخلی و مداخله خارجی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

موضع کلی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان

سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قبال کشورهای منطقه و به‌ویژه همسایگان خود همواره مبتنی بر حسن همجواری، تقویت دوستی و همکاری منطقه‌ای بوده است. جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده است که امنیت، ثبات، رونق اقتصادی و پیشرفت کشورهای منطقه را تجزیه‌ناپذیر و درواقع به‌مثابه امنیت، ثبات، رونق اقتصادی و پیشرفت خود قلمداد می‌کند و ازاین‌رو، حضور و مداخله قدرت‌های بزرگ را عاملی اختلال‌آفرین در روابط منطقه‌ای می‌داند. در همین چارچوب، موضع کلی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان را می‌توان در چند محور ذیل خلاصه کرد:

۱. **حمایت از استقلال افغانستان:** جمهوری اسلامی ایران همواره از هرگونه مداخله خارجی و حضور نیروهای بیگانه در این کشور، خواه به‌صورت رسمی براساس توافقنامه‌های دوجانبه و خواه از طریق توسل به زور مخالفت کرده است. ایران به‌عنوان سیاست کلی خود از تمامیت ارضی تمامی کشورهایایی که به رسمیت شناخته است دفاع کرده است و این موضع را بخشی از تعهدات کشورها براساس منشور ملل متحد می‌داند؛ طبعاً، افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۲. **حمایت از ثبات افغانستان به‌عنوان ضرورت اساسی:** جمهوری اسلامی ایران همواره کمک به ثبات داخلی در افغانستان را سرلوحه سیاست خود در قبال افغانستان قرار داده است و این عامل را ضامن تأمین امنیت در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند. بی‌ثباتی در افغانستان به تضعیف شدید حکومت مرکزی و در وخیم‌ترین وضعیت آن به بروز جنگ داخلی و مداخله خارجی در این کشور انجامیده است به طوری که این دو پدیده هم معلول بی‌ثباتی بوده و هم به بازتولید و تشدید آن کمک کرده است. ارمغان بی‌ثباتی افغانستان گسترش تروریسم فراملی، افراط‌گرایی، کشت و قاپچاق

مواد مخدر و هجوم آوارگان افغان به کشورهای همجوار آن بوده است به گونه‌ای که این معضلات طی بیش از سه دهه اخیر معضلات فراوانی را برای ایران به بار آورده‌اند و به‌ویژه ناامنی‌هایی را در استان‌های شرقی ایران ایجاد کرده‌اند.

۳. **حمایت از دولت مرکزی:** با توجه به تجربه روی کار آمدن طالبان در دهه ۱۹۹۰، جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین ریشه‌های بی‌ثباتی در افغانستان را فقدان حکومت مرکزی قوی در این کشور می‌داند و معتقد است که ضعف حکومت در برقراری نظم و قانون می‌تواند به‌طور چشمگیری بر معضلات جاری افغانستان بیفزاید. ایران بر تقویت دولت مرکزی در افغانستان تأکید داشته و بر این اساس با تحرکات فراملی اعم از صف‌بندی‌های قومی و مذهبی که برای تضعیف نهاد دولت در این کشور شکل می‌گیرند مخالفت می‌ورزد.

۴. **حمایت از تلاش‌های بازسازی افغانستان:** جمهوری اسلامی ایران بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی افغانستان که طی دهه‌ها سال جنگ داخلی و مداخله خارجی ویران شده‌اند را از نیازهای مبرم این کشور قلمداد کرده است و احیای اقتصاد افغانستان را شرط ضروری برای تأمین صلح و ثبات آن می‌داند. به همین دلیل مجامع و گردهمایی‌های بین‌المللی که با هدف کمک به روند بازسازی افغانستان تشکیل شده‌اند همواره شاهد حضور و کمک مؤثر ایران بوده‌اند.

توافقنامه امنیتی افغانستان و ایالات متحده

توافقنامه امنیتی افغانستان و ایالات متحده از جمله توافقنامه‌های دوجانبه‌ای است که ایالات متحده همواره پس از مداخله نظامی در سایر کشورها بر کشور هدف تحمیل می‌کند. این‌گونه توافقنامه‌ها از آغاز جنگ سرد رواج داشته‌اند، اما ویژگی‌های منحصر به فرد و در بسیاری موارد مغایر با حقوق بین‌الملل را در خود دارند که به شرح ذیل قابل اشاره می‌باشند:

۱. تثبیت موضع فرادستی آمریکا بر طرف مقابل،
 ۲. یک‌طرفه بودن در عین دوجانبه بودن،
 ۳. درج حق کاپیتولاسیون در آنها،
 ۴. مشروعیت و تداوم بخشیدن به حضور نظامی آمریکا در کشور هدف،
 ۵. مشروع و مطلوب جلوه دادن اقدامات و عملیات‌های نظامی پیش از توافقنامه در سرزمین طرف مقابل،
 ۶. غیرنظامی‌سازی دولت طرف مقابل،
 ۷. کنترل کشورهای همجوار دولت طرف مقابل.
- اما به‌طور خاص توافقنامه امنیتی ایالات متحده با افغانستان حاوی محورهایی است که از وجود ویژگی‌های فوق در روح حاکم بر آن حکایت دارد. این محورها عبارتند از:

۱. **حضور بلندمدت یا دائمی نظامیان آمریکایی در افغانستان:** اگر این توافقنامه تأیید شود، بخشی از نیروهای آمریکایی برای کمک به مبارزه با شبه‌نظامیان القاعده و طالبان و آموزش ارتش ملی افغان در افغانستان باقی می‌مانند.
۲. **تأسیس پایگاه‌های نظامی در هر نقطه از افغانستان که آمریکا بخواهد:** ایجاد ۹ پایگاه نظامی در افغانستان که از این تعداد دو پایگاه در منطقه مرزی ایران دایر خواهد شد.

۳. آزادی عمل نظامیان آمریکایی برای انجام هرگونه عملیات نظامی.

۴. مجاز بودن نظامیان آمریکایی در استفاده از هر نوع سلاح دفاعی و تهاجمی در افغانستان.

بر این اساس، اگر دولت افغانستان توافقنامه امنیتی با ایالات متحده را به تصویب برساند، نه تنها سلطه آمریکا در این کشور تثبیت می‌شود بلکه زمینه برای مداخله‌های پیدا و پنهان بیشتر واشنگتن در کشورهای منطقه فراهم می‌گردد. از سوی دیگر، حتی با انعقاد این توافقنامه نیز تهدید طالبان که همچنان به بی‌ثبات‌سازی افغانستان تداوم بخشیده‌اند و معضلات امنیتی فراوانی را برای ایران به بار آورده‌اند نه تنها ادامه خواهد یافت بلکه با توجه به پذیرش عملی موجودیت طالبان از سوی ایالات متحده و فراتر از آن، روی آوردن آمریکا به سیاست برقراری ارتباط با این گروه، تشدید خواهد شد.

با این اوصاف می‌توان استدلال کرد که انعقاد توافقنامه امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده نه تنها به بنیان سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان شکل خواهد داد بلکه به عنوان ابزاری برای نفوذ و مداخله آمریکا در کشورهای همسایه این کشور مبدل خواهد شد.

نگرانی‌های بسیاری از جناح‌های سیاسی افغان از معضلات امنیتی، آنها را به پذیرش مشروط توافقنامه کشانده است. شرایطی که آنها و از جمله مقامات دولتی افغانستان مطرح کرده‌اند ماهیت تداوم و مشروعیت‌یابی حضور نظامی آمریکا را از بین نمی‌برند، بلکه تنها معطوف به محدودسازی مجال عمل نیروهای آمریکایی هستند و بر این اساس سلطه آمریکا و امکان نفوذ و مداخله آمریکا حتی در همسایگان افغانستان را فراهم می‌سازند. برای مثال، حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان امضای توافقنامه امنیتی را به توقف اقدامات نیروهای آمریکایی در تفتیش منازل افغان‌ها مشروط و اعلام کرده است که از امروز به بعد آمریکایی‌ها نمی‌توانند خانه‌های مردم افغانستان را بازرسی کنند و اگر این کار از سوی آمریکایی‌ها صورت گیرد، قرارداد امنیتی را امضا نخواهد کرد.

ملاحظات مهم

با اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه می‌توان تأیید کرد که این امر حساسیت ویژه جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد. انعقاد توافقنامه امنیتی افغانستان و ایالات متحده تأثیرات مخربی در سطوح داخلی (افغانستان) و منطقه‌ای برجای خواهد گذاشت. ۱. از زمان اشغال نظامی افغانستان، هرچند توافقنامه امنیتی از این سنخ میان افغانستان و آمریکا منعقد نشده است ولی محتوای توافقنامه پیشنهادی آمریکا در طی این سال‌ها عملاً به اجرا در آمده و این امر حاصلی جز تداوم بی‌ثباتی در افغانستان نداشته است.

۲. انعقاد این توافقنامه در بلندمدت نه تنها تغییر مثبتی در بهبود شرایط امنیتی افغانستان ایجاد نمی‌کند، بلکه به واسطه حساسیت‌ها و مخالفت‌های فعال داخلی با تداوم حضور نظامیان آمریکایی معضلات افغانستان را تشدید خواهد کرد.

۳. این توافقنامه امنیتی عملاً روابط امنیتی آمریکا و افغانستان را محوریت می‌بخشد و مناسبات امنیتی کابل با همسایگانش به ویژه پاکستان، چین، هند و ایران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. در این صورت، همسایگان افغانستان در روابط امنیتی خود با این کشور نه با دولت افغانستان، که به واسطه این توافقنامه عملاً با آمریکا سروکار خواهند داشت.

این امر روند مدیریت امور امنیتی منطقه به دست بازیگران منطقه‌ای را مختل می‌سازد و مجال مداخله هرچه بیشتر قدرت برون منطقه‌ای در روند امور منطقه را فراهم می‌سازد.

۴. این توافقنامه عملاً ابتکار عمل امنیتی را از دولت افغانستان می‌گیرد و باعث تداوم، تثبیت و مشروعیت‌یابی وابستگی امنیتی افغانستان به قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌گردد، این مسئله نیز یکی دیگر از پیامدهای مخرب انعقاد موافقتنامه امنیتی میان آمریکا و افغانستان خواهد بود.

جمع‌بندی

در مجموع به نظر می‌رسد که انعقاد توافقنامه امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده نه تنها نقطه عطف در تأمین امنیت ملی افغانستان به‌شمار نمی‌آید بلکه نقطه شروعی برای امنیت‌زدایی منطقه‌ای خواهد بود چراکه در صورت انعقاد این توافقنامه: نخست: آمریکا از آن به‌عنوان الگویی برای انعقاد توافقنامه‌های امنیتی در سایر کشورهای منطقه بهره‌برداری خواهد کرد.

دوم: حضور نظامی آمریکا در منطقه بیش از پیش تثبیت خواهد شد.

سوم: شکل‌گیری ترتیباتی خودبنیاد و مستقل بدون حضور قدرت‌های برون منطقه‌ای منتفی خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران با در نظر داشتن این ملاحظات و واقعیات با انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی مخالفت می‌ورزد. در عین حال ایران همواره آمادگی خود را برای حمایت از هر سازوکاری که به ارتقای واقعی ضریب و سطح امنیتی همسایه خود منجر شود، اعلام و حسن‌نیت خود در این زمینه را بارها اثبات کرده است.

جدا از این موضوع، بحث توسعه و تعاملات و همکاری‌های دوجانبه ایران و افغانستان در زمینه‌های مختلف موضوع مهمی است که در جریان سفر اخیر حامد کرزای به ایران مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه رؤسای جمهور ایران و افغانستان توافق کردند که به‌منظور افزایش تعامل دوجانبه پیمان جامع دوستی و همکاری میان دو کشور امضا شود، طبعاً امضای این موافقتنامه - که برخی از رسانه‌ها همچون اشپیگل از آن به‌عنوان شکستی برای آمریکا یاد کرده‌اند - می‌تواند محرک مؤثری در توسعه چشمگیر روابط دو طرف باشد.